

گفتگو با مادر داغ‌دیده:

امین در خانه مجردی اش توسط مهمان ناشناس کشته شد

مادر امین، با یادآوری آن شب و لحظه‌ای که خبر این اتفاق را شنید، بغض می‌کند: «ساعت ۲ شب ۲۳ مهرماه بود. به ما زنگ زدند و گفتند که در خانه پسر درگیری شده؛ یک نفر بازداشت و یک نفر دیگر هم به بیمارستان منتقل شده است. خیلی شوکه شدم. هنوز نمی‌دانستم که امین بازداشت شده یا مصدم. ولی همان لحظه انگار مانده بود، بریدی مثلثی شکل روی شیشه پنجره بود. روی زمین جلوی در خانه نیز ششم‌های آب‌شده که دوستان امین به یاد او روشن کرده بودند.

پسری که گفته می‌شد با دوستانش ماده مخدر به نام قارچ مصرف کردند. با هم درگیر شدند. در نهایت این درگیری با مرگی تلخ به پایان رسید، اما هیچ‌کس نمی‌دانست که در آن خانه چه اتفاقی افتاد. امین چطور از ساختمان به پایین پرت شد. صداهای درگیری و بعد هم سقوط یک پسر، تنها روایت مشخص این ماجراست. امین جان باخت و دوستانش نیز همگی یک روایت را مطرح کردند. اینکه امین پس از مصرف ماده مخدر قارچ خودش را به پایین پرتاب کرد. ماجرای که مادر امین از همان روز اول قاطعانه آن را رد کرد: «پسر مرا اصلا ماده مخدر نبود. او حتی سیگار هم نمی‌کشید. چطور می‌شود پسری که یک سیگار هم نمی‌کشید، بخواد ماده مخدر عجیب و غریب را امتحان کند. او مشکلی نداشت که بخواد خودکشی کند.

من پسر را بهتر از هر کس دیگری می‌شناختم. تنها پسرم بود. او اصلا مواد و خوشگذرانی‌های این چنینی نبود. سرش به کارش گرم بود، دو سال در آپارتمانش تنها زندگی می‌کرد و همسایه‌هایش می‌گویند ما اصلا نمی‌دانستیم که پسر مجردی ساکن آپارتمان ما است.»

امین هیچ ماده مخدری مصرف نکرده بود و بر اثر توهم سقوط نکرده است. به طرز مرموزی در غرب تهران سقوط کرد و جان باخت. خانه مجردی امین تبدیل به قتلگاه شد. در خانه مجردی درگیری رخ داد و این بار صاحبخانه جان باخت. اغلب جوانانی که خانه مجردی دارند خانه را تبدیل به پاتوق دوستان خود می‌کنند و در این خانه مجردی جرم و اتفاقات زیادی رخ می‌دهد. مادر امین درباره مرگ پسرش در خانه مجردی گفت و این مادر داغ‌دیده می‌گوید پسرش به قتل رسیده است.

فقط چشمانش قابل اهدا بودند. حالا چشمانش همچنان روشنایی دارد. جهان را می‌بیند. اما در بدن یک انسان دیگر، پسر جوانی که ۹ ماه پیش به طرز مرموزی از طبقه چهارم سقوط کرد. در خانه‌اش بوده، میهمان داشت، دوستانش آنجا بودند. اما از آن شب مرگ و موعابی هیچ‌کس هیچ چیز نمی‌داند یا نمی‌خواهد. حقیقت را بگوید.

تنها صداهای درگیری و یک جسد روی رومپ پارکینگ ساختمان ولو شده بود. اینها همه آن چیزی است که از آن شب شش‌شوم مانده؛ حالا مادر امین پیگیر پرونده پسرش است. مادری تنها که می‌خواهد به جای اشک و عزاداری، معمای مرگ پسرش را حل کند. از شهرستان به تهران می‌آید. همه مسائل را بررسی کرده است. با تمام شاهدان چندین بار حرف زده؛ صحنه را بارها و بارها مرور کرده است. اما هنوز هم مشخص نیست که امین چطور جان باخت است. چه اتفاقی در طبقه چهارم خانه شماره ۲۹ در خیابان پیامبر غربی رخ داد. فقط نظریه پزشکی قانونی است که او را آرام می‌کند.



هنوز به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است. فقط نظریه پزشکی قانونی است که نشان می‌دهد پسر خودکشی نکرده، او را کشته‌اند. خواسته من به عنوان یک مادر این است که خیلی زود راز مرگ پسر مشخص شود. تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت بگیرد تا زوایای پنهان این ماجرا افشا شود. حال من و پدر امین اصلا خوب نیست. برای همین از پلیس و دستگاه قضایی می‌خواهم که به ما کمک کنند، چرا که هیچ‌کس از پسر من بدی ندیده بود. او جوان سر به راهی بود، حتی همسایه‌هایش همه از او راضی بودند.»

دوستان امین همان شب بازداشت شد ولی خیلی زود او را آزاد کردند.

از همه دوستانش تحقیق کردند. آنها همگی یک حرف را می‌زدند. اینکه امین مواد مصرف کرد و خودکشی کرده است. اما به گفته همسایه‌ها شب حادثه از خانه امین صدای دعوا و درگیری طولانی مدت شنیده شده بود. مادر امین ادامه می‌دهد: «امین اهل کار و پیشرفت بود، حتی سیگاری هم نبود. برای همین خودم دست به کار شدم. از همه پرس‌وجو کردم. من فقط همین یک پسر را داشتم. برایش کلی آرزو داشتم. قرار بود به زودی لباس دامادی به تنش کنم. می‌خواستیم به خواستگاری دختر مورد علاقه‌اش برویم. او دو سال پیش از مرگش به تهران آمد. در شهرستان مان کار می‌کرد. ولی گفت در تهران می‌تواند درآمد بهتری داشته باشد و پیشرفت کند. برای همین او دو سال پیش ساکن همین خانه شد. او متخصص مارکتینگ و کسب و کارهای آنلاین بود. آن شب هم چند نفر از همکارانش در خانه‌اش بودند.

پرونده حالا در پلیس آگاهی تهران بررسی می‌شود، ولی می‌گویند: «پسرم خودش کارت اهدای عضو داشت. برای همین به محض اینکه به ما گفتند می‌توانیم اعضای بدنش را اهدا کنیم، بدون هیچ فکری قبول کردم. چون می‌دانستم این خواسته خود امین هم بود. اما اعضای بدن پسر فقط چشمانش قابل اهدا بودند، که آن را نیز اهدا کردیم. حالا هم از این کار خوشحالم و می‌دانم پسرم هم راضی است.»

من نمیدانستم او متاهل است

گره حوادث - مرد ۵۵ ساله‌ای به اتهام برقراری رابطه نامشروع دستگیر شد.

روزی که با «عاطفه» در یکی از کافه‌های شهر آشنا شدم، خیلی دلم به حالش سوخت و تصمیم گرفتم به هر طریقی ممکن به او کمک کنم اما آرام آرام او به طرز جنون آمیزی عاشق من شد و ...

مرد ۵۵ ساله‌ای که به اتهام برقراری رابطه نامشروع و خلوت کردن با نامحرم بازداشت شده بود، در حالی که بیان می‌کرد نمی‌دانم همه این حوادث یک نقشه شوم است یا من فریب زن جوانی را خورده‌ام! در باره چگونگی این ماجرا به کارشناس اجتماعی کلاتری آبکوه مشهد گفتم: پدرم تاجر سرشناسی است، به همین دلیل من هیچ وقت از نظر مالی مشکلی نداشتم و طعم بی پولی را نچشیده‌ام.

بیشتر بستگان من در خارج از کشور زندگی می‌کنند و من هم قصد داشتم به خارج از کشور بروم و در آن جا سرمایه‌گذاری کنم ولی فقط به خاطر عشق و علاقه به پدر و مادر این جا ماندم اما همواره جوانی آزاد بودم و هر کاری می‌خواستم انجام می‌دادم. با دوستانم به تفریح و خوشگذرانی می‌رفتم و چیزی در زندگی

ام کم نداشتم، به همین دلیل تا مقطع دیپلم بیشتر درس نخواندم چون قرار بود مسیر تجارت پدرم را ادامه بدهم. خلاصه وارد بیست و سومین بهار زندگی‌ام شده بودم که «تیسیم» در مسیر زندگی‌ام قرار گرفت و من نه یک دل بلکه صد دل عاشقش شدم. او هم از خانواده سرشناسی بود و قصد داشت در آزمون سراسری (کنکور) شرکت کند.

خلاصه خیلی زود به خواستگاری اش رفتم و با هم ازدواج کردیم. در طول این سال‌ها زندگی عاشقانه‌ای را تجربه کردم و یک پسر حاصل این ازدواج شد. اما زندگی من از یک سال قبل در حالی به گونه دیگری تغییر کرد که روزی برای تفریح به کافه ای در یکی از مناطق تفریحی شهر رفته بودم.

آن جسادختر جوانی را دیدم که برای گرفتن پول به چند جوان التماس می‌کرد. آن‌ها هم به قصد سوءاستفاده از آن دختر، او را مورد تمسخر قرار می‌دادند. در این هنگام دلم به حالش سوخت و تصمیم گرفتم آن دختر ۲۰ ساله را از این وضعیت اسفناک نجات بدهم. از افرادی که در همان اطراف بودند نشانی منزل او را گرفتم. همه



گرفته است به طرف کلاتری می‌آید و من نمی‌دانم همه این حوادث یک نقشه هولناک است یا به خاطر احساس عاطفی فریب خورده‌ام اما ای کاش...

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ ابراهیم خواجه پور رئیس کلاتری آبکوه) این پرونده توسط کارشناسان اجتماعی و قضایی مورد رسیدگی ویژه قرار گرفت.

انجام می‌دادم تا این که شب گذشته طبق معمول به خانه اجاره ای عاطفه رفتم اما ناگهان پسر جوانی با چهره‌ای خشمگین وارد خانه شد و با نشان دادن مدارکی ادعا کرد عاطفه همسر او است و او درباره تلاشش به من دروغ گفته است.

این بود که با تماس آن پسر جوان نیروهای انتظامی من و عاطفه را به کلاتری آوردند. اکنون همسر من نیز که در جریان ماجرا قرار

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

آماده همکاری

راننده پایه ۲ آماده همکاری
به صورت تمام وقت
۰۹۳۸۴۶۴۱۰۶۲

آقا ۳۴ ساله چرخکار، کمک آشپز - نگهبان آماده همکاری می باشد
۰۹۱۷۲۳۳۳۶۱۹

تدریس خصوصی

تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس به همراه کلاسهای آمادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی
۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱

فروش کتاب

حدود شش هزار جلد کتاب رمان ایرانی و خارجی قدیمی که از این تعداد حدود ۵۰۰ جلد گالینگور است و کتابهای آموزش داستان نویسی، رمان نویسی و کتابهای تاریخی و مرجع. اکثر کتابها قدیمی و نایابند
ثمره ۴۰ سال کار و تجزیه کتابهای تخصصی داستان و رمان و آموزش داستان و رمان نویسی و کتابهای مرجع، قفسه ها شخصی ساز و سفارشی مناسب برای کتابخانه ها و اشخاص خیر و اهل مطالعه برای اهدا به کتابخانه های مناطق محروم فروش با قفسه ها یا بدون قفسه به هیچ وجه تکی یا انتخابی نیست فقط یکجا به علت جابه جایی قابل ارسال به تمام نقاط کشور
۰۹۱۲۳۷۳۱۷۳۷

رهن و فروش

مشاور امین ملکی شما در جزیره زیبای کیش
۰۹۳۳۶۷۵۰۹۱۴ عمرانی

استخدام

خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک ۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی عصر

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

رستوران سای دا

انواع غذاهای ایرانی و دریایی با کادری مجرب و با سابقه آماده عقد قرارداد با شرکت ها و مؤسسات
آدرس: کیش، بلوار خیام، خیابان باباطاهر TS44

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش